

## **An Explanation of the Constituents of an Imam Ali Oriented Lifestyle and Their Educational Uses**

**Ali Shiravani Shiri\***

**Fatemeh Haydari\*\***

### **Abstract**

The present study is aimed at explaining the constituents of a lifestyle predicated on Imam Ali (PBUH)'s teachings, and their uses in education. It is a qualitative research on the basis of the grounded theory, and done through the method of inductive coding. The subject of analysis includes all the letters, speeches, and wisdoms in *Nahj al-Balagha* translated by Mohammad Dashti as well as prayers transmitted from Imam Ali (PBUH). The data were collected purposefully and in accordance with the theoretical saturation rule. In this study, six educational domains were extracted from the teachings of Imam Ali (PBUH). Constituents of each domain were explained, and their educational uses for setting goals, learning-teaching methods, educational content, and assessment were examined. The goals were categorized into "ultimate" (obedience and submission towards God) and "mediatory" (constituents obtained from open coding). Teaching-learning methods such as finding role models, affection, habituation through practice and repetition, counsel, and encouragement and punishment can be proposed based upon the constituents extracted from Imam Ali's lifestyle. In the assessment, the principle of attention to individual differences has been emphasized. Educational content too can

\* Associate Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran  
(Corresponding Author), ali\_shiravani@cfu.ac.ir

\*\* Graduated from Fars Farhangian University, Teacher at Fars Education Primary School,  
Khorambid, Fars Province, Iran, heydari11fatemeh@gmail.com

Date received: 2021/11/09, Date of acceptance: 2022/05/16



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۹۸ پژوهش‌نامه علمی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

be codified and presented on the basis of the main constituents of Imam Ali oriented lifestyle and through a comprehensive and multifaceted look at human beings.

**Keywords:** lifestyle, Imam Ali (PBUH), Nahj al-Balagha, educational uses.

## تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی علوی و کاربردهای تربیتی آن

علی شیروانی شیرینی\*

فاطمه حیدری\*\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی بر اساس آموزه‌های تربیتی امام علی(ع) و کاربرد آن در تربیت بود. این پژوهش، کیفی و بر اساس نظریه داده بنیاد و از روش کدگذاری استقرایی داده‌ها انجام گرفت. نمونه مورد تحلیل، کل متن نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه با ترجمه محمد دشتی و روایات و ادعیه رسیده از حضرت علی(ع) بود که داده‌ها به شیوه‌ی هدفمند و با رعایت قاعده‌ی اشباع نظری گردآوری شد. در این پژوهش شش قلمرو تربیتی از آموزه‌های امام علی(ع) استخراج و مؤلفه‌های مربوط به هر قلمرو تبیین گردید. کاربردهای تربیتی نیز در تعیین اهداف، روش‌های یاددهی - یادگیری، محتوای آموزشی و ارزشیابی مورد بررسی قرار گرفت. اهداف به دو دسته‌ی غایی (اطاعت و عبودیت حق تعالی) و واسطه‌ای (مؤلفه‌های بدست آمده در کدگذاری باز) تقسیم شده‌اند. روش‌های یاددهی - یادگیری چون الگویابی، محبت، تمرین، تکرار و عادت‌دادن عملی، موعظه و نصیحت، تشویق و تنبیه را براساس مؤلفه‌های مستخرج از سبک زندگی امام علی(ع) می‌توان مطرح نمود. در ارزشیابی بر اصل توجه به تفاوت‌های فردی تأکید شده است. محتوای آموزشی را نیز می‌توان براساس مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی علوی و با نگاهی جامع و چندساحتی به انسان، تدوین و ارائه نمود.

**کلیدواژه‌ها:** سبک زندگی، امام علی(ع)، کاربردهای تربیتی

\* استادیار، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، Ali\_shirvani@cfu.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد علوم تربیتی، آموزش و پرورش فارس، heydari11fatemeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

مفهوم سبک زندگی اولین بار در سال ۱۹۱۹ توسط آلفرد آدلر، روانشناس اجتماعی، مطرح شد. برای بیان معنای سبک زندگی لازم است این واژه مرکب، جدا از هم بررسی گردد، تا بتوان به درستی در مورد آن اظهار نظر کرد. سبک در لغت به معنای طور، عمل، طرز، روش، قاعده و شیوه است (عمید، ۱۳۹۰). زندگی در لغت به معنای زنده‌بودن، زیست، حیات و مدت عمر تعریف شده است (معین، ۱۳۸۶). با برهم‌نهی دو واژه سبک و زندگی، می‌توان سبک زندگی را مجموعه‌ای از رفتارها و الگوهای کنش هر فرد دانست که به بعدهای هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی نظر داشته باشد. چنین "مجموعه‌ای می‌تواند کلی متمایز را پدید آورد که در کنار دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص، نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز باشد" (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۵۱). سبک زندگی را می‌توان به صورت گستره‌ای در نظر گرفت که عرصه وسیعی از رفتار آدمی با خدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت را در بر می‌گیرد. سبک زندگی اسلامی، توجه به اجرای اسلام با همه ابعاد آن در تمام عرصه‌های زندگی آدمی است و می‌توان در دسته‌بندی مشخص و با ملاحظه ارتباطات سه‌گانه انسان با خدا و خود و خلق، زندگی پرهیزگاران‌ای ساخت و با تکیه بر متن سخن و سیره معصومان شیوه زیستن را مشق‌کرد (پورامینی و پورامینی، ۱۳۹۷).

دین در قالب ارائه برنامه‌های مدون و در قالب معجزه‌جاویدان پیامبر اکرم (ص) و در قرآن و آموزه‌های دینی، سلامت و سعادت زندگی دنیوی و اخروی جمعی انسان‌ها، به ویژه مؤمنان را تضمین می‌کند و راه رسیدن به حیات طیبه‌ای را که هدف ادیان الهی و حاملان رسالت‌های دینی بوده را نشان می‌دهد. انسان دینی باید با پایبندی به آموزه‌های برگرفته از دین و انتخاب سبک زندگی دینی در پی تحقق حیات طیبه‌ای باشد که دین وعده آن را داده است. از جمله راهنمایان برای قرارگرفتن در مسیر سبک زندگی دینی و تحقق حیات طیبه، نهج‌البلاغه است که محدث نوری در کتاب مستدرک الوسائل آن را برادر قرآن دانسته است (فیض‌الاسلام اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۳/۴۲۳). برخی عنوان کرده‌اند که نهج‌البلاغه در واقع دیدگاه جامع امام علی (ع) درباره خدا، انسان، جهان، مبدا و معاد است (رشاد، ۱۳۸۰: ج ۱۲/۴۴). در این کتاب مکارم و سجایای اخلاقی و صفات پسندیده‌ای که لازمه شخصیت انسان کامل است، بیان شده است (رشاد، ۱۳۸۰: ج ۱۲/۴۵) زیرا امیرالمؤمنین

باب علم نبی است (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰: ج ۳/۱۴۲۰). نتایج پژوهشی که اخیراً انجام شده گویای این است که مصداق‌هایی از تمام ساحت‌های شش‌گانه‌ی تربیت در دعای کمیل، وجود دارد و این نشان دهنده آن است که آموزه‌های ایشان از بهترین منابع برای شناخت ابعاد و ساحت‌های وجودی مختلف انسان و در پی آن تربیت همه‌جانبه وی محسوب می‌شود (شیروانی شیرینی، حیدری، حسینی، ۱۳۹۹). از این رو استخراج دلالت‌های تربیتی برآمده از سبک زندگی امام علی(ع) در برنامه درسی و به‌کارگیری آن در فرایند تعلیم و تربیت برای دستیابی به هدف غایی تعلیم و تربیت (قرب الی الله) و تحقق حیات طیبه بسیار ضروری است.

به علت اهمیت موضوع، پژوهش‌های چندی در راستای موضوع این مقاله انجام شده است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم. شهریار (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «اصول پرورش فضائل اخلاقی در فرزندان بر مبنای سیره تربیتی حضرت زهرا(س)» به واکاوی سیره تربیتی حضرت زهرا(س) پرداخته است تا اصول پرورش فضائل اخلاقی در فرزندان را از دیدگاه ایشان تبیین کند. اصول تربیتی در سه سطح نمود دارد؛ اصول ناظر به والدین، اصول ناظر به فرزندان و اصول ناظر به عمل تربیتی. از اصول ناظر به والدین در منطق تربیتی آن حضرت، تربیت فعل خداست. اصول ناظر به کودک بیانگر لزوم آگاهی از ظرفیت جسمی و روحی فرزندان است. از میان اصول ناظر به عمل تربیتی، هنرگرایی، تحریک حق‌طلبی، ترجیح عقل‌گرایی ایمانی بر ناپروری، کرامت‌پروری و اقدام عملی، در سیره تربیتی صدیقه طاهره(ع) اهمیت بیشتری دارد. بدیعیان و نوروزی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تربیت دینی در سیره امام حسین(ع) در واقعه عاشورا» به بررسی تربیت دینی در سیره آن امام پرداخته و نهضت عاشورا را به عنوان یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های سیره‌ی عملی امام حسین(ع) و الگوی ارزشمندی در زمینه‌ی تربیت دینی معرفی نموده‌اند. کشاورز و ترکاشوند (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تبیین سیره‌ی تربیتی امام صادق(ع) جهت ارائه الگویی برای سبک زندگی اسلامی» به این نتیجه رسیدند که سیره‌ی تربیتی امام صادق(ع) نشانگر توجه ایشان به تمام ابعاد و ساحت‌های تربیتی (اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ اجتماعی، سیاسی؛ زیستی و بدنی؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ زیبایی‌شناختی و هنری؛ علمی و فناورانه) بوده و به همین دلیل به عنوان الگوی مطلوبی برای شکل‌بخشیدن به سبک زندگی آحاد جامعه است. جانی‌پور (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مراحل و مؤلفه‌های بنیادین الگوی سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن کریم» تلاش کرده تا با استخراج مؤلفه‌های

مطلوب و نامطلوب "انسان قرآنی"، به نوعی مؤلفه‌های بنیادین و باید و نبایدهای سبک زندگی را تحلیل نماید. او همچنین به تبیین الگوهای سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های آنان از منظر قرآن کریم پرداخته و از این منظر ویژگی‌های "انسان قرآنی" را شناسایی نموده است که عبارتند از: شناخت خدا، ایمان، تسلیم و رضا، تقوا و توکل؛ خودشناسی، رشد ارزش‌های اخلاق فردی، پرورش قوه‌ی عقل و تفکر؛ همکاری، پرهیز از دروغ، پرهیز از خیانت در امانت و امر به معروف و نهی از منکر؛ نرم‌خویی و دوراندیشی و نقدپذیری؛ دوری از اسراف و مصرف‌گرایی، پرهیز از احتکار و انباشت کالا و کسب مال حلال؛ بهره‌گیری صحیح از امور دنیایی و دلسوزی و شفقت نسبت به حیوانات.

هدف پژوهش حاضر نیز شناسایی و تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی بر اساس آموزه‌های تربیتی امام علی(ع) و استخراج دلالت‌های تربیتی آن است. که پژوهشگر در ارتباط و تناظر با این هدف در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که: ۱. مؤلفه‌های سبک زندگی بر اساس آموزه‌های تربیتی امام علی(ع) کدام‌اند؟ و ۲. این مؤلفه‌ها چه دلالت‌هایی برای تعلیم و تربیت دارند؟

## ۲. روش‌شناسی

از آنجا که هدف این پژوهش تبیین سبک زندگی در آموزه‌های تربیتی امام علی(ع) و استخراج دلالت‌های آن برای تربیت است و برای این منظور به داده‌های کیفی - تفصیلی نیاز است، رویکرد کیفی در بررسی موضوع مورد مطالعه انتخاب گردید. نمونه مورد تحلیل، کل متن نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه با ترجمه محمد دشتی و روایات و ادعیه رسیده از حضرت علی (ع) بود. جمع‌آوری داده‌ها تا مرحله رسیدن به حد اشباع است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش روش تحلیل استقرایی مبنی بر نظام کدگذاری است. در روش استقرایی پژوهش‌گر با مقایسه مستمر داده‌ها به ساخت مفاهیم اقدام می‌کند؛ به این صورت که پس از گردآوری داده‌ها، زمینه‌ی سازواری داده‌ها بررسی و به ساخت مفاهیم اقدام گردیده و هم‌زمان با ساخت مفاهیم، کدهای باز مستخرج از شواهد مرتبط با موضوع پژوهش به شیوه‌ی کدگذاری باز استخراج و کدهای مربوط به هر نکته مشخص شد. در مرحله‌ی بعد، با کنارهم‌قراردادن کدهای باز مستخرج از شواهد متنی و مقایسه‌ی مستمر داده‌ها، مفاهیم اولیه و بطور هم‌زمان مقوله‌های اولیه شکل گرفتند. سپس با

تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی علوی ... (علی شیروانی شیری و فاطمه حیدری) ۲۰۳

استفاده از روش کدگذاری محوری، مقوله‌های مرکزی مشخص شد. در مرحله‌ی نهایی، پژوهشگر با استفاده از شیوه‌ی کدگذاری انتخابی به استخراج مقوله‌های اصلی و مفهوم‌پردازی اقدام کرد.

پژوهش گر به‌عنوان ابزار پژوهش به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها، از روش اسنادی بهره برده است. در پژوهش کیفی، پژوهش گر هم به‌عنوان گردآورنده‌ی داده‌ها و هم به‌عنوان گوینده‌ی معنای داده‌ها ایفای نقش می‌کند (میکات و مورهاوس، ۱۹۹۵: ۴۶). در پژوهش کیفی، روایی بر مبنای قضاوتی که درباره تفسیر محقق صورت می‌گیرد تعیین می‌شود و جامعیت و قابل فهم بودن تفسیرهای ارائه‌شده اهمیت بسیار دارد. در چنین پژوهش‌هایی از اصطلاح اعتبارپذیری یا باورپذیری (Credibility) به جای روایی درونی (Internal validity)؛ قابل اطمینان و قابل اعتبار بودن (Dependability)، به جای پایایی (Reliability) استفاده می‌نمایند (کرسول، ۲۰۰۷: ۲۰۳).

### ۳. تحلیل داده‌ها

در این مرحله داده‌های استخراج‌شده از نهج‌البلاغه، احادیث و روایات امیرالمؤمنین علی(ع) در قالب سه دسته "کدهای باز"، "کدهای محوری" و "کد گزینشی" کدگذاری، سازماندهی و طبقه‌بندی شدند.

#### الف. کدگذاری باز

در این گام از کدگذاری، محققان به دنبال آن هستند تا برای پاسخ به سؤال‌های تحقیق، با فرایند تحلیلی، داده‌ها را به مفاهیم و سپس مفاهیم را به مقوله‌ها تبدیل کنند.

جدول ۱: کدگذاری باز

ردیف	شواهد (عبارت‌های متنی)	کدهای باز
۱	شناختن خدای پاک و منزّه، والاترین معرفت‌ها ست (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۷۱۲).	جایگاه خداشناسی
۲	کسی که خدای سبحان را می‌شناسد، شایسته است دلش از بیم و امید به او خالی نباشد (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۶: ۴۴۱).	خوف و رجاء
۳	اگر راه‌های اندیشه‌ات را درنوردی تا به پایانه‌های آن رسی، هیچ دلیلی تو را جز به این رهنمون نشود که آفریننده مورچه همان آفریننده درخت خرما است و این به سبب دقت و ظرافتی است که جداسازی هر چیزی از چیز دیگر و پیچیدگی و تنوعی است که در هر موجود زنده‌ای به‌کاررفته است موجودات بزرگ و کوچک، سنگین و سبک و نیرومند و ناتوان، همگی در آفرینش برای خداوند یکسانند (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۸۵).	اندیشه در شگفتی موجودات

۲۰۴ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

۴	پس به قدرتی پناه بر که تو را آفریده (نهج‌البلاغه/ خطبه ۳۱).	پناه‌بردن به خدا
۵	آن کس که جامه رویینش ترس از خدا است (نهج‌البلاغه/ خطبه ۸۷)، چراغ هدایت در قلبش روشن شده و وسائل لازم برای روزی او فراهم آمده و دوری‌ها و دشواری‌ها را بر خود نزدیک و آسان ساخته است.	ترس از خدا زمینه‌ساز هدایت
۶	شمار قطره‌های آب‌ها و ستارگان آسمان و ذرات گردوغبار پراکنده در هوا و حرکت مورچه بر سنگ بزرگ و خوابگاه مورچگان در شب تاریک بر او پوشیده نیست و محل ریزش برگ‌ها و برهم خوردن پلک‌ها را می‌داند (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۷۸).	اندیشیده‌ورزی در علم بی‌منتهای خدا
۷	همانا بهترین چیز که نزدیکی خواهان به خدا بدان توصل می‌جویند، ایمان به خدا و پیامبر است (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۰۰)	ایمان
۸	ایمان معرفت است از روی دل، اقرار است به زبان و عمل است به اعضا و جوارح (نهج‌البلاغه/ حکمت ۲۱۸).	ایمان با تعهدات عملی
۹	آن کس که ایمان ندارد، راهی نیابد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۷۸۳).	ایمان
۱۰	زیور ایمان، پاکی درون است و نیک رفتاری برون (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۹۴).	پاکی درون
۱۱	دین، درختی است که ریشه‌اش تسلیم و رضاست (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۷).	تسلیم و رضا
۱۲	الرضا یعنی الخزن؛ رضا و تسلیم، اندوه را از بین می‌برد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۲).	تسلیم و رضا
۱۳	نهایت خشنودی خداوند از بندگانش و خواسته او از آفریدگانش تقواست، پس تقوا از خداوندی بکنید که اگر پنهان کنید می‌داند و اگر آشکار سازید می‌نویسد (لیثی واسطی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۵۴).	تقوا
۱۴	تقوای الهی، اولیای خدا را در حمایت خود قرار داده، آنان را از تجاوز به حریم منتهیات الهی بازداشته‌است و ترس از خدا را ملازم دل‌های آنان قرار داده‌است تا آن جا که شب‌هایشان را بی‌خواب (به سبب عبادت)، روزهایشان را بی‌آب (به سبب روزه) گردانیده است (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۱۴).	تقوا
۱۵	توکل بر خداوند، مایه نجات از هر بدی و محفوظ‌بودن از هر دشمنی است (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۸: ۸۹).	توکل
۱۶	هر کس به خدا توکل کند، دشواری‌ها برای او آسان می‌شود و اسباب برایش فراهم می‌گردد (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۵: ۴۲۵).	توکل
۱۷	به خداوند سبحان توکل کن؛ زیرا که او کارسازی توکل‌کنندگان به خود را ضمانت کرده‌است (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰/ف ج ۱: ۳۱۸).	توکل
۱۸	کسی که برای خود، کرامت و شخصیت قائل است، شهواتش در نظرش خوار و بی‌مقدار خواهد بود (نهج‌البلاغه/ حکمت ۴۴۹).	بی‌بردن به کرامت خود
۱۹	برترین حکمت این است که انسان خود را بشناسد و اندازه خویش را نگه‌دارد (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰/ج ۱: ۱۹۹).	خودشناسی
۲۰	هر که خود را شناخت، منزلتش والاگشت (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۹۱).	خودشناسی
۲۱	همانگونه که تو در باره خویشتن می‌اندیشی، نسبت به خودشان می‌اندیشیدند، (نهج‌البلاغه/ خطبه ۳۱).	اندیشیدن درخود
۲۲	بخشندگی، نگاه‌دارنده آبروست، و شکیبایی دهان‌بند بی‌خردان، و عفو زکات پیروزی، و دوری کردن کیفر خیانتکار، و مشورت چشم هدایت است و آن کس که با رأی خود احساس بی‌نیازی کند به کام خطرها افتد شکیبایی با مصیبت‌های شب و روز پیکار کند، و بی‌تابی، زمان را در نابودی انسان یاری‌دهد. و برترین بی‌نیازی ترک آرزوهاست، و چه بسا عقل که اسیر فرمانروایی هوس است، حفظ و به کارگیری تجربه رمز پیروزی است و دوستی نوعی خویشاوندی به‌دست‌آمده‌است، و به آن کس که به ستوه آمده و توان تحمل ندارد اعتماد نکن	رشد ارزش‌های اخلاق فردی



تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی علوی ... (علی شیروانی شیرینی و فاطمه حیدری) ۲۰۵

	(نهج البلاغه/ حکمت ۲۱۱).	
۲۳	اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ، و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، شایسته بود به سراغ فضائل اخلاقی برویم، چرا که آن‌ها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۱۹۳).	رشد ارزش‌های اخلاق فردی
۲۴	کسی که برای خود شخصیت قائل است، شهنشاه در پیش او خوار و ذلیل خواهند بود (نهج البلاغه/ حکمت ۴۴۹).	تشخص درونی
۲۵	عقل راهنمایی می‌کند و نجات می‌دهد و نادانی گمراه می‌کند و نابود می‌گرداند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۲۴).	پرورش قوه‌ی عقل و تفکر
۲۶	هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون جهل و هیچ میراثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نخواهد بود (نهج البلاغه/ حکمت ۵۱).	پرورش قوه‌ی عقل و تفکر
۲۷	عقل شمشیری است برنده، بنابراین، عیوب اخلاقیات را با حلمت بپوشان، و هوس‌های سرکشت را با عقلت بکش (نهج البلاغه/ حکمت ۴۱۶).	پرورش قوه‌ی عقل و تفکر
۲۸	هیچ عزت و سربلندی همچون حلم و بردباری، نیست (حکمت ۱).	حلم و بردباری
۲۹	هنگام خشم، خویشتن دار باش (نهج البلاغه/ نامه ۶۹).	حلم و بردباری
۳۰	نخستین عوضِ بُردبار از بردباری خود، آن بود که مردم در برابر نادان یار او بوند (حکمت/ ۲۱۵).	حلم و بردباری
۳۱	به‌راستی که دانش، مایه حیات دل‌ها، روشن‌کننده بدگان کور و نیروبخش بدن‌های ناتوان است (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۸).	حریص در کسب دانش
۳۲	فضای هر ظرفی در اثر محتوای خود تنگ‌تر می‌شود مگر ظرف دانش که با تحصیل علوم، فضای آن بازتر می‌گردد (حکمت/ ۲۰۵).	حریص در کسب دانش
۳۳	علم گنج بزرگی است که با خرج کردن تمام نمی‌شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۸۵).	حریص در کسب دانش
۳۴	عدالت، شالوده‌ای است که جهان بر آن استوار است (شافعی، ۱۴۲۱: ۶۸).	عدالت اجتماعی
۳۵	عدالت، محکم‌ترین بنیاد است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۹).	عدالت اجتماعی
۳۶	عدالت، هر چیزی را در جای خودش می‌گذارد و بخشندگی امور را از جهتشان خارج می‌سازد؛ (نهج البلاغه/ حکمت ۴۳۷).	عدالت اجتماعی
۳۷	عدالت، رأس ایمان و مجمع نیکی‌هاست (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۹۰).	عدالت اجتماعی
۳۸	و بر شما باد به ارتباط و بذل و بخشش و دوری‌گزیدن از جدائی و پشت کردن به یکدیگر (نهج البلاغه/ نامه ۴۷).	اتحاد و همبستگی
۳۹	اصلاح اختلاف‌ها، از تمامی نمازها و روزه‌ها برتر است (نهج البلاغه/ نامه ۴۷).	اتحاد و همبستگی
۴۰	میوه برادری، نگهداشت در پشت سر و هدیه کردن عیب است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۲۸).	نقدپذیری
۴۱	هر کس عیب تو را برایت آشکار کرد، او دوست توست (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۰۳).	نقدپذیری
۴۲	از نشانه‌های پرهیزکار (این است که در دین نیرومند است و نرمی و ملائمت را با دوراندیشی درآمیخته است. ایمانی توأم با یقین دارد و ... (نهج البلاغه/ خطبه ۱۹۳).	نرم‌خویی و دوراندیشی
۴۳	چنانچه مالی غیر صحیح و بیش از مصرف و اندازه مصرف گردد، اسراف محسوب می‌شود (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۳۲: ۴۸).	دوری از اسراف و مصرف‌گرایی
۴۴	از احتکار جلوگیری کن پیامبر (ص) چنین می‌کرد (نهج البلاغه/ نامه ۵۳).	پرهیز از احتکار و انباشت کالا

۲۰۶ پژوهش‌نامه علمی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

۴۵	بنده به سبب بی‌صبری، خودش را از روزی حلال محروم می‌کند و بیشتر از روزی مقدر هم نصیبش نمی‌شود (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۳: ج ۳، ۱۶۰).	کسب روزی حلال
۴۶	هر کس مالی را از راه غیر حلال بدست آورد، آن را در راه غیر حق مصرف خواهد نمود (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۴۴).	کسب روزی حلال
۴۷	در کسب و کار میانه روی را پیشه کن. نه حرص داشته باش و نه طمع (نهج‌البلاغه/ خطبه ۲۲۵).	میانه روی در فعالیت اقتصادی
۴۸	همانا امر به معروف و نهی از منکر دو خصلت از خصلت‌های خداوند سبحان هستند و این دو نه مرگ را نزدیک می‌کنند و نه از روزی [انسان] می‌کاهند (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۵۶).	امر به معروف و نهی از منکر
۴۹	قوام شریعت به امر به معروف و نهی از منکر و برپاداشتن حدود (الهی) است (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۰۴).	امر به معروف و نهی از منکر
۵۰	تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان در برابر دریای پهناور است (نهج‌البلاغه/ حکمت ۳۷۴).	امر به معروف و نهی از منکر
۵۱	بیماری دروغ‌گویی، زشت‌ترین بیماری است (محمدری شهری، ۱۳۹۳، ج ۱: ۴۸۶).	پرهیز از دروغ
۵۲	انسان دروغگو خوار و ذلیل است (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۰).	پرهیز از دروغ
۵۳	برترین ایمان، امانتداری است (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۸۸).	امانتداری
۵۴	سینه یک انسان عاقل، صندوقچه و خزانه اسرار او است (نهج‌البلاغه/ حکمت ۶).	امانتداری
۵۵	بدترین مردم کسی است که پای‌بند به امانت‌داری نیست و از خیانت و تعدی به دیگران هم دست‌بردار نیست (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۱۱).	امانتداری
۵۶	مالک، کسانی که به تو مراجعه می‌کنند، یا برادران دینی تو هستند یا اگر این‌گونه نباشد انسان هستند و خداوند آنها را خلق کرده است و فرقی بین انسان‌ها نیست " (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳).	حفظ کرامت انسانی
۵۷	از حقوق واجب خدا بر بندگان، خیرخواهی به اندازه توان، و یاری‌کردن یکدیگر برای برپایی حق در میان خود است (نهج‌البلاغه/ خطبه ۲۱۶).	تعاون و همکاری
۵۸	آگاه‌باشید که خواری در راه اطاعت خدا به عزت نزدیک‌تر است از یاری‌کردن یکدیگر برای نافرمانی خدا (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۱۷).	تعاون و همکاری
۵۹	برده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید (نهج‌البلاغه/ خطبه ۳۱).	عبدنبودن و داشتن زندگی آزادمنشانه
۶۰	آن کس که جامعه زیرینش اندوه در برابر مسئولیت‌ها است (نهج‌البلاغه/ خطبه ۸۷).	احساس مسئولیت
۶۱	وقتی تعهد پناه دادن را به او دادی، جامعه وفا را بر عهد خویش بیوشان و تعهدات خود را محترم بشمار (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳).	احساس تعهد
۶۲	انسان مؤمن قسمتی از زندگی خود را برای بهره‌گیری از لذت‌های حلال و دلپسند می‌پردازد (نهج‌البلاغه/ حکمت ۳۹۰).	بهره‌گیری صحیح از امور دنیایی
۶۳	از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش پروا کنید، زیرا دارای مسئولیت هستید حتی نسبت به زمین‌ها و حیوانات (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۶۷).	بهره‌گیری صحیح از امور دنیایی
۶۴	بین شتر و بچه شیرخواره‌اش فاصله نیندازد، و آن قدر شیرش را ندوشد که به بچه او زیان رسد، شتر را با سواری گرفتن خسته و درمانده نکند، و در دوشیدن شیر و سواری گرفتن بین آن شتر و شترهای دیگر مساوات را رعایت نماید، باید زمینه استراحت حیوان خسته را فراهم کند، و آن شتری را که به پایش آسیب رسیده و از حرکت ناتوان شده آرام و آهسته براند (نهج‌البلاغه/ نامه ۲۵).	شفقت نسبت به حیوانات

ب. کدگذاری محوری

در این گام از کدگذاری، برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، پیوند بین کدهای حاصل از کدگذاری باز از طریق تبیین کدهای محوری و تعیین و اختصاص کدهای باز به آنها مشخص می‌شود. در این مرحله، کدهای باز به دست آمده، در قالب کدهای محوری سازماندهی شده و برای هر یک از کدهای محوری نام مناسبی انتخاب می‌شود.

ج. کدگذاری گزینشی

در این مرحله کدگذاری محوری را در سطح انتزاعی‌تر ادامه می‌دهیم. در کدگذاری گزینشی نیازمند تشخیص یک مفهوم کلیدی هستیم تا تمام مقوله‌های تعیین شده در کدگذاری محوری را به یکدیگر پیوند دهد. در این پژوهش، کدگزینشی "مؤلفه‌های سبک زندگی علوی" نام گذاری شده است.

جدول شماره ۲: مرحله کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی بر مبنای کدهای باز

کد گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز
اعتقادی	توحید	جایگاه خداشناسی، اندیشیده‌ورزی در شگفتی‌های آفرینش (موجودات)
	باورمندی	ایمان (با تعهدات عملی)، تسلیم و رضا، تقوا، توکل، پناه‌بردن به خدا، خوف و رجاء، ترس از خدا
فردی	خودشناسی	خودشناسی، اندیشیدن در خود
	پرورش ارزش‌های اخلاقی	رشد ارزش‌های اخلاق فردی، حلم و بردباری، حریص در کسب دانش، تشخص درونی
	پرورش تعقل	پرورش قوه‌ی عقل و تفکر
اجتماعی	مسئولیت‌پذیری	احساس تعهد، احساس مسئولیت، امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از دروغ، امانتداری، حفظ کرامت انسانی
	مشارکت‌جویی	تعاون و همکاری، اتحاد و همبستگی
	عدالت	عدالت اجتماعی
	آزادی	عبدنبودن و داشتن زندگی آزادمنشانه
سیاسی	انعطاف‌پذیری	نقدپذیری، نرم‌خویی
	آینده‌نگری	دوراندیشی و آینده‌نگری
اقتصادی	التزام به ارزش‌ها در فعالیت‌های اقتصادی	اجتناب از اسراف
		پرهیز از احتکار و انباشت کالا
		کسب مال حلال

		میانه روی در فعالیت اقتصادی
زیست محیطی	بهره‌وری و عمران زمین	بهره‌وری از زمین، آبادانی زمین
	شفقت نسبت به حیوانات	شفقت نسبت به حیوانات

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از فرایند استقرایی کدگذاری، کدهای گزینشی که همان قلمروها یا مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی علوی هستند عبارتند از قلمرو اعتقادی، فردی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی.

#### ۴. قلمرو اعتقادی

امیرالمومنین بالاترین معرفت‌ها را معرفت به خدا می‌دانند و می‌فرمایند: "معرفة الله سبحانه، اعلیٰ المعارف؛ شناختن خدای پاک و منزّه، والاترین معرفت هاست" (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ج ۱/۷۱۲). ایشان در تعبیر دیگر می‌فرمایند: "العلم بالله، افضل العلمین؛ خداشناسی با فضیلت‌ترین علم است" (همان: ۸۹). آیت الله مصباح یزدی معتقد است ایمان اگرچه با معرفت متفاوت است، به معرفت نیاز دارد. شرط لازم ایمان به خدا معرفت به اوست (میرباباپور، ۱۳۹۶: ۱). از مهم‌ترین مفاهیم خویشاوند و هم‌ردیف با تقوا در قرآن، ایمان است. هم‌نشینی این دو واژه در بسیاری از آیات من جمله سوره‌ی بقره آیه ۱۰۳ و سوره‌ی اعراف آیه ۹۶؛ از استلزام میان این دو مفهوم حکایت می‌کند و نشان می‌دهد که تقوا از لوازم ایمان است. تسلیم‌بودن در برابر دستوره‌های خدا و رسولش و رضای به قضای الهی و آنچه او برای انسان مقدر فرموده است، چه در ظاهر خوشایند باشد یا نباشد، یکی از ویژگی‌های مهم مؤمنان دانسته شده است؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ اخْتَبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ" (هود/ ۲۳)؛ کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خاضع و تسلیم‌بودند، آنها اهل بهشت‌اند و جاودانه در آن خواهند ماند. در این آیه، خداوند سه ویژگی مهم اهل بهشت را برمی‌شمارد: ایمان، عمل صالح و تسلیم و خضوع در برابر خداوند. امام علی (ع) نیز در خطبه ۳۱۰ نهج‌البلاغه شرط راستی ایمان را توکل به خدا می‌داند و می‌فرماید: "ایمان بنده راست نباشد، جز آنگاه که اعتماد او بدانچه در دست خداست بیش از اعتماد وی بدانچه در دست خود اوست بود" (خطبه/ ۳۱۰). از مفاهیم بالا چنین برمی‌آید که شناخت خدا لازمه ایمان به اوست و تقوا و توکل از لوازم ایمان

محسوب می‌شود؛ همچنین از ثمرات ایمان راستین و با ارزش، تسلیم و رضا است. در ادامه مؤلفه‌های قلمرو اعتقادی یعنی شناخت خدا، ایمان، اندیشیده‌ورزی در آفرینش، پناه‌بردن به خدا، ترس از خدا، اندیشه‌ورزی در علم بی‌نهایت خدا، پاکی درون، اعتماد به خدا، تسلیم و رضا، تقوا و توکل مورد بحث قرار می‌گیرد.

#### ۱.۴ شناخت خدا

شناخت خدا و ایمان به مبدأ، از گرایش‌های فطری آدمی است و از درون او مایه و پایه می‌گیرد. این گرایش، همان است که قرآن با عنوان "فطرت اللّٰه" (روم/۳۰)؛ از آن یاد می‌کند.

در خطبه ۱ نهج‌البلاغه آمده است:

اول الدین معرفته، و کمال معرفته التصدیق به، و کمال التصدیق به توحیده، و کمال توحیده الاخلاص له، و کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه؛ سرآغاز دین شناخت خداست و کمال شناخت باورداشتن او، و درست باورداشتن او اعتراف به یگانگی او است، و اعتراف به یگانگی او، خالص نمودن اطاعت اوست و کمال اخلاص او، نفی تمام صفت‌ها از او است (خطبه/۱).

حضرت امیر(ع) در خطبه ۳۱ به برخی از صفات خداوند اشاره می‌کنند و می‌فرماید: "وَلَا يُزُولُ أَبَدًا وَلَا لَمْ يَزَلْ" (خطبه/۳۱) یعنی خدا هیچ‌گاه از بین نمی‌رود و هیچ‌گاه از بین نرفته است. امام در پایان اوصاف خداوند می‌فرماید: «عَظُمَ عَنِ أَنْ تَتَّبِتَ رُبُوبِيَّتُهُ بِإِحَاطَةِ قَلْبٍ أَوْ بَصَرٍ» یعنی پسر خداوند بزرگتر است از آنکه ربوبیت او به احاطه‌ی قلبی و دیدن با چشم، ثابت شود دلیل آن هم روشن است، ربوبیت او از اول شروع شده و تا ابد ادامه دارد و همه‌ی عالم هستی را با مرزها و حدود ناشناخته‌اش در برمی‌گیرد. بنابراین چنین ربوبیت گسترده‌ای را نه با چشم می‌توان مشاهده کرد و نه در فکر انسان می‌گنجد زیرا ربوبیت او نامحدود است و نامحدود در فکر محدود انسان نخواهد گنجید (ابوالحسنی، ۱۳۹۵: ۸-۱۰). ربوبیت الهی از اصول دین، از ضروریات ادیان آسمانی، و انکار آن موجب کفر شمرده شده و بر این اساس، شریک قرار دادن کسی در این صفت نیز شرک است. بنابراین، شناخت خدا به عنوان رب جهان از ضروریات دین‌داری است.

معرفت خداوند به سه شکل مختلف قابل تصور است: ۱. معرفت فطری که معرفتی حضوری و شخصی و درعین حال اجمالی است. ۲. معرفت عقلی که معرفتی حصولی و کلی است. ۳. معرفت شهودی که معرفتی حضوری، شخصی و روشن است که هرکدام از معرفت‌های عقلی و شهودی، میوه همان معرفت فطری، ولی مکمل و متمم آن هستند (میرباباپور، ۱۳۹۶: ۱).

#### ۲.۴ ایمان

در قرآن کریم، مصادیقی برای ایمان بیان شده است؛ از جمله ایمان به خدا (بقره/۱۸۶ و ۲۵۶)؛ ایمان به همه پیامبران (آل عمران/۱۷۹)؛ ایمان به آنچه از سوی خداوند بر پیامبران نازل شده است؛ مانند کتاب‌های آسمانی (بقره/۱۳۶)؛ ایمان به روز قیامت (بقره/۸)؛ ایمان به فرشتگان (بقره/۱۷۷)؛ و ایمان به غیب (بقره/۴). حضرت علی(ع) می‌فرماید: "سبیل ابلج المنهاج انور السراج؛ ایمان، راهی است که مسیر آن کاملاً روشن است" (خطبه/۱۵۶). مراد از ایمان در این عبارت امیرالمؤمنین(ع)، ایمان دینی است؛ یعنی ایمان به خدا و روز جزا و پیغمبر، و همین ایمانی که ادیان مردم را به آن فرامی‌خوانند. البته اهمیت مطلق ایمان معلوم است؛ چون ایمان پایه‌ی عمل و حرکت انسان است.

امام خمینی(ره) بر این باورند که

ایمان غیر از علم به خدا و وحدت، و سایر صفات کمالیه‌ی ثبوتیه و جلالیه و سلویه، و علم به ملائکه و رسل و کتب و یوم قیامت است. چه بسا کسی دارای این علم باشد و مؤمن نباشد... ایمان یک عمل قلبی است ... و کمال ایمان «اطمینان» است (خمینی، ۱۳۹۸: ۳۷).

#### ۳.۴ اندیشه در شگفتی‌های آفرینش

خداوند می‌فرماید: "إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ؛ مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است" (آل عمران/۱۹۰). همچنین می‌فرماید:

تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی علوی ... (علی شیروانی شیرازی و فاطمه حیدری) ۲۱۱

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ همانان که خدا را در همه احوال ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند که پروردگارا اینها را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار (آل عمران/۱۹۱).

شکی نیست که اگر انسان در کار عالم و در نظامات عالم و در دقایق مخلوقات تأمل و دقت کند، خداوند را بیشتر می‌شناسد و به هدف اصلی خلقتش نزدیک می‌شود. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

وَكَانَ مِنْ أَقْتِدَارِ جَبْرُوتِهِ وَبَدِيعِ لَطَائِفِ صَنَعَتِهِ أَنْ جَعَلَ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ الزَّائِرِ الْمُتَرَاكِمِ الْمُتَقَاصِفِ بَيْسًا جَامِدًا، ثُمَّ فَطَرَ مِنْهُ أَطْبَاقًا فَفَتَقَهَا سَبْعَ سَمَاوَاتٍ؛ از نشانه‌های توانایی و سلطنت خداوند و شگفتی آفرینش‌های ظریف او این است که از آب دریای ژرف بر هم ریخته پُر موج، [زمین] خشک و جامد را آفرید، آن‌گاه طبقاتی از آن خلق کرد و پس از پیوستگی، آنها را از هم باز کرد و هفت آسمان را پدید آورد (خطبه/۲۱۱).

#### ۴.۴ پناه‌بردن به خدا

سفارش به استعاذه در موقعیت‌های حساس، چون تلاوت قرآن و برای رهایی از خطرات جانی و اخلاقی و توجه به پناه‌جویی انبیا و اولیای الهی و نقل آنها، حاکی از اهمیت و تأثیر استعاذه است. تعبیری چون "أعوذ بالله"، "أستعید بالله" و "معاذ الله" افزون بر دعا، ذکر نیز هست و بنده را متوجه خدا می‌کند.

امام علی (ع) می‌فرماید: "اللَّهُمَّ! إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ؛ بار خدایا! به تو پناه می‌برم از سختی سفر و اندوه بعد از بازگشت و رو به رو شدن با صحنه ناگوار در میان زن و فرزند و دارایی" (خطبه/۴۶).

#### ۵.۴ ترس از خدا

امام علی (ع) در خطبه ۸۳ فرمودند: "آنچه از ترس برای آدمی حائز اهمیت می‌باشد این است که او را به سوی سعادت رهنمون کند" (خطبه/۸۳)؛ یعنی ترسیدن او منجر به انزوا و

گوشه نشینی و بیکار نشستن وی نگردد بلکه او را در تحصیل رضایت الهی به کار و تلاش وا دارد.

برخلاف سایر انواع ترس‌ها که اغلب بازدارنده هستند، ترس از خدا برای انسان جنبه سازندگی دارد و عامل تحرک و عمل است. چنانچه انسان از خدا نترسد، از هیچ گناهی اجتناب نخواهد کرد همانطور که اگر از رحمت خدا ناامید شود، امیدی به نجات نخواهد داشت و دچار یأس خواهد شد. در نتیجه، ترس و امید در حد اعتدال در انسان ضروری است. بر همین اساس است که خداوند در قرآن یکی از وظایف انبیا را انداز مردم می‌داند.

#### ۶.۴ اندیشه‌ورزی در علم بی‌نهایت خدا

اعتقاد به دانایی مطلق و بی‌کران خدا نقش مهمی در به کمال رساندن خداشناسی دارد و آثار تربیتی فراوانی چون توکل، ایجاد انگیزه و پرهیز مؤمن از گناهان در پی دارد. قرآن کریم می‌فرماید: "همه کلیدهای غیب نزد خداست و جز او کسی از آنها آگاه نیست، او آگاه است از آنچه در خشکی و آب است، هیچ برگ‌گی از درختی فرو نمی‌افتد مگر آنکه خدا می‌داند" (انعام/۵۹). امام علی(ع) در وصف علم الهی می‌فرماید:

يَعْلَمُ عَجِيجَ الْوُحُوشِ فِي الْفَلَوَاتِ، وَمَعَاصِيَ الْعِبَادِ فِي الْخَلَوَاتِ، وَاخْتِلَافَ التَّيْنَانِ فِي الْبِحَارِ  
الغامرات، وَتَلَاطُمَ الْمَاءِ بِالرِّيَّاحِ الْعَاصِفَاتِ؛ خداوند صدای نعره وحوش را در دل کوه‌ها  
و بیابان‌ها می‌داند، همچنین معاصی بندگان را در خلوتگاه‌ها، و آمد و شد ماهیان را در  
دریاهای ژرف، و پیدایش امواج و چین و شکن های آب را به وسیله تندبادها  
(خطبه/۱۹۸).

#### ۷.۴ پاکی درون

انسان‌ها باید در قاموس اندیشه خود این نکته اساسی را بنگارند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: "وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ  
الَّذِي خُبَّتْ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا؛ سرزمین پاکیزه و شیرین، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛  
اما سرزمین‌های شوره‌زار، جز گیاه بی‌ارزش، از آن نمی‌روید" (اعراف/۵۸). بنابراین می‌توان  
گفت رابطه بین قلب پاک و عمل از نوع رابطه ریشه و میوه است.



#### ۸.۴ تسلیم و رضا

حضرت علی(ع) فرمودند: "اسلام همان تسلیم است و تسلیم همان یقین است و یقین همان تصدیق است و تصدیق همان اقرار است و اقرار همان احساس مسئولیت است و احساس مسئولیت همان عمل است" (حکمت/۱۲۵).

انسان در اسلام، انسانی است که نسبت به هر سرنوشتی که از ناحیه خدای سبحان برایش تعیین می‌شود، چه سرنوشت تکوینی، از قدر و قضاء و چه تشریحی از اوامر و نواهی و غیر آن مطیع و تسلیم باشد (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۱/۴۵۴).

مقام رضا، خشنودی از حق و بالاترین کمالات معنوی است که مشتاقان پس از پشت‌سرنهاندن درجات زهد و یقین، به آن خواهند رسید. یکی از آثار و لوازم مقام رضا، تسلیم‌شدن در برابر پیشامدهای حتمی الهی است. رضامندان، در زندگی خود، با برنامه‌ریزی و کوشش مداوم به پیش می‌روند؛ اما در برابر حوادث ناگوار و رویدادهای پیش‌بینی نشده، ناراحت نمی‌شوند. عبارت "وَسَلِّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ"، نتیجه طبیعی مقام رضا است که خطاب به اهل بیت علیهم‌السلام می‌گوید: "شما در برابر حکم قطعی الهی، تسلیم‌شده‌اید" (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰: ۴۳۱).

از دیگر پیامدهای روان‌شناختی تسلیم و رضا، غلبه انسان بر غم و اندوه است. امیرالمومنین(ع) در این باره می‌فرمایند: "هر که به روزی خدا خرسند باشد، برای آن چه از دستش رود اندوهگین نگردد" (حکمت/۳۴۹).

#### ۹.۴ تقوا

واژه تقوا و دیگر مشتقات ریشه آن، ۲۵۸ بار در قرآن کریم آمده است. از منظر قرآن، فقط اعمال متقیان پذیرفته است و به کاری که بنیان آن براساس تقوا نباشد اعتنایی نمی‌شود: "أَنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ" (مائده/۲۷).

در سخنان امام علی(ع) تقوا در رأس اخلاق نیکو معرفی شده است (حکمت/۴۱۰). ایشان در خطبه‌ی ۱۹۱ می‌فرمایند: "برای کسب تقوا از خداوند یاری بجویید و از تقوا در برابر عقاب خداوند یاری بطلبید" (خطبه/۱۹۱). ایشان تقوا را به عنوان یک نیروی معنوی و

روحي که بر اثر تمرین پدیدمی آید و به نوبه خود لوازم و نتایجی دارد و از آن جمله پرهیز از گناه را آسان می‌نماید، مطرح کرده‌اند.

اگر عبرت‌های گذشته برای یک شخص آینه قرارگیرد، تقوا جلو او را از فرورفتن در کارهای شبهه‌ناک می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۳: ۲۰۳). امام خمینی در اهمیت تقوی می‌فرماید: "ملت اگر متقی شد می‌تواند که حفظ‌کند خودش را از همه آفاتی که در دنیا پیش می‌آید" (خمینی، ۱۳۶۳، ج ۱۷: ۱۳۰).

## ۱۰.۴ توکل

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

از جبرئیل (ع) پرسیدم توکل چیست؟ پاسخ داد: آگاهی به این واقعیت که مخلوق، نه زیان می‌رساند و نه عطا و منعی دارد، و اینکه چشم از دست و سرمایه مردم برداری؛ هنگامی که بنده‌ای چنین شد جز برای خدا کار نمی‌کند و به غیر او امیدی ندارد. و این‌ها همگی حقیقت و رمز توکل‌اند (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۶۸: ۱۳۸).

بنابراین آن تکیه‌گاهی غیرسست و سنگین و مستحکم است که خدا باشد. باید اعتماد بر معنویات کرد و قدرت خدا فوق همه قدرت‌هاست (خمینی، ۱۳۹۱: ۶۸۱). اهمیت توکل بدان پایه است که امام علی (ع) توکل را، در کنار تفویض امور به خدا و رضا به قضای او و تسلیم در برابر اوامر او، ارکان چهارگانه ایمان برشمرده‌است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۶).

## ۵. قلمرو فردی

قلمرو دیگر که از سبک زندگی امام علی (ع) استخراج گشته‌است؛ قلمرو فردی می‌باشد. مؤلفه‌های این دسته عبارتند از: خودشناسی، پی‌بردن به کرامت خود، اندیشیدن در خود، تشخیص درونی، رشد ارزش‌های اخلاق فردی، پرورش قوه‌ی عقل و تفکر، حلم و بردباری و حریص در کسب دانش

## ۱.۵ خودشناسی

خودشناسی یا شناخت نفس و یافتن ویژگی‌ها و استعدادها، ذاتی، نخستین گام در پیمودن مسیر تکامل در زندگی است. انسان تا از استعدادهای خود باخبر نباشد، نمی‌تواند در راه شکوفایی آن‌ها گام بردارد. شناخت، دریچه ورود انسان به همه امور انسانی است.

معرفت نفس از دو جهت حائز اهمیت است: ۱. خودشناسی مقدمه خداشناسی ۲. خودشناسی مقدمه خودسازی و تهذیب نفس (نراقی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۷-۶). امام علی (ع) سودمندترین شناخت‌ها را آگاهی فرد نسبت به خویشتن برمی‌شمرد. این شناخت ارزشمند خود، بهترین راه به سوی شناخت خدا است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۸۸). توصیه به خودشناسی و شناخت ظرفیت‌های نفس انسانی، برای این است که انسان هم‌آهنگ با فطرت خویش در مسیر حق و اطاعت خدا قرارگیرد و در این زمینه، انجام همه وظایف فردی و اجتماعی اگر به انگیزه تقرب به خدا و اطاعت او انجام‌پذیرد، تکامل و تعالی انسان را در پی خواهند داشت (مصباح، ۱۳۸۰: ۲۵).

خودشناسی موجب آگاهی انسان از استعدادها و کمالات وجودی خویشتن و نیز اوصاف و رذایل اخلاقی نکوهیده‌اش می‌گردد. این خودآگاهی به انسان کمک می‌کند تا از طریق خودسازی و تهذیب نفس، بر جنبه‌های منفی وجودش غلبه کند و در مسیر تعالی اخلاقی و تکامل معنوی خویش گام بردارد (شرفی، ۱۳۷۹: ۷۲).

## ۲.۵ رشد ارزش‌های اخلاق فردی

بخش قابل توجهی از منابع اسلامی درباره‌ی اخلاق است و همچنین نبی گرامی اسلام (ص) و دیگر پیشوایان دینی هر کدام اسوه‌های عملی و تمثیل عینی ارزش‌های اخلاقی هستند. در این میان، امام علی (ع) از جمله چهره‌های شاخص و بارز به‌شمار می‌آید.

امام علی (ع) اخلاق نیکو را به سان زیورهای همیشه تازه می‌داند و از ادب با عنوان برترین میراث برای آدمی یاد می‌کند و اخلاق خوب را بهترین هم‌نشین و بهترین حسب و نسب برای انسان می‌داند (دانشنامه نهج‌البلاغه، ۱۳۹۴: ج ۱/ ۹۵).

از مجموعه‌ی آموزه‌های امیرمؤمنان علی (ع) می‌توان دریافت که اخلاق، شش امر درهم‌تنیده در انسان است که عبارتند از: بینش‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، روش‌ها، کنش‌ها

وگویی‌ها. انسان و جامعه‌ی اخلاق‌مند، انسان و جامعه‌ای است که در هر شش امر فوق به سامانی درست رسیده‌باشد و از این روست که توصیه‌های اخلاقی در جهت اصلاح ویژگی‌ها و کردار اخلاقی، بدون اصلاح موارد یادشده، راه به جایی نمی‌برد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۷).

### ۳.۵ پرورش قوه عقل و تفکر

امام کاظم (ع) می‌فرماید: "هشام! امیرالمؤمنین می‌فرمود: هیچ‌چیزی که خداوند با آن فرمانبرداری شود بهتر از خرد نیست، و خرد کسی کامل‌نشود جز آنکه شش ویژگی گوناگون را دارا باشد: از کفر و شر او آسودگی باشد و هدایت و نیکی از او خواسته‌شود، مازاد مالش را پخش کند و مازاد حرفش را نگه‌دارد، سهمش از دنیا همان قوت روزانه‌اش باشد، و هرگز از علم‌آموزی سیرنشود، خواری با خدا برایش بهتر از ارجمندی همراه دیگری ست، فروتنی برایش محبوب‌تر از اشرافگری ست، نیکی اندک دگران را زیاده‌شمارد و نیکی بسیار خود را اندک و همه مردم را بهتر از خود داند و خویشتن را پست‌ترین مردم بداند، و این تمام کار است (حرانی، ۱۳۸۷: ۵۸۰).

مهمترین کارکرد عقل در نهج‌البلاغه شناخت خدا، یعنی تلاش برای دستیابی به معرفت واقعی خدا است البته با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و کاستی‌هایی که عقل انسان در این راستا دارد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: "خردها را بر اندازه‌کردن صفاتش آگاهی نداده و از مقدار واجب شناختش محروم نساخته است، پس او کسی است که نشانه‌های هستی گواهی‌دهند که دل شخص منکر هم به وجود او اقرار دارد" (معارف، ۱۳۹۶: ۳۱۸).

امام باقر (ع) می‌فرماید: چون خدا عقل را آفرید از او بازپرسی کرده به او گفت پیش آی پیش آمد، گفت باز گرد، بازگشت، فرمود به عزت و جلالم سوگند مخلوقی که از تو به پیشم محبوب‌تر باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم. همانا امر و نهی کیفر و پاداشم متوجه تو است. عقل وسیله پرستش خدا و به‌دست‌آوردن بهشت معرفی شده است (کلینی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰).

از مجموع سخنان بالا چنین برمی‌آید که تعطیل کردن عقل، به معنای قطع رابطه با خدا، قیامت، انبیاء، ائمه و قرآن مجید است. در قرآن کریم، خداوند از اهل جهنم خبر می‌دهد که روز قیامت از دوزخیان سؤال می‌کنند، علت دوزخی شدن خودتان را بگویید. آن‌ها جواب

تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی علوی ... (علی شیروانی شیرازی و فاطمه حیدری) ۲۱۷

می دهند: "لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (ملک/۱۰)؛ اگر ما ابزار شناخت را که یکی از آن‌ها گوش است، درست به کار گرفته بودیم و اگر عقل را به میدان زندگی کشیده بودیم، الان اهل این آتش برافروخته نبودیم" (انصاریان، ۱۳۸۸: ۵).

#### ۴.۵ حلم و بردباری

امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه که اوصاف پرهیزگاران را شرح می‌دهد می‌فرماید: "یکی از صفات آنها این است که علم را با حلم می‌آمیزند" (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۵۸۸). در خطبه و روایات مختلف اول حلم، بعد علم، مورد توجه قرار گرفته است زیرا کارآئی علم و تربیت بدون حلم امکان‌پذیر نیست؛ در روایتی از رسول گرامی (ص) چنین آمده است: "والَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا جُمِعَ شَيْءٌ إِلَى شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ حِلْمِ الْإِلَهِ؛ علم؛ قسم به خدایی که جان من در دست قدرت او است جمع و ضمیمه نشده چیزی به چیزی که افضل از جمع شدن حلم و علم باشد" (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۳۱).

#### ۵.۵ حرص در کسب دانش

امام علی (ع) می‌فرماید: "و حِرْصًا فِي عِلْمٍ؛ و (می بینی برای هر یک از متقین) علاقه شدیدی در کسب علم و دانش" از صفات پرهیزگاران، عالم بودن آنها است و در این فراز از دیدگاه مولی علی (ع) علاوه بر این که عالمند، حرص و علاقه شدیدی به دانش‌اندوزی دارند و مرز مشخصی برای یادگیری دانش ندارند. نکته قابل ذکر این که در عرف مردم صفت "حرص" صفت پسندیده‌ای نیست ولی باید توجه کرد که حرص به معنای علاقه وافر و میل زیاد به چیزی است و این بد نیست، مفهوم نازیبای "حرص" از تمایل به چیز نازیبا حاصل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۷).

#### ۶. قلمرو سیاسی

مثنأ سیاست علی (ع)، نگاه الهی و بینش ماورایی است. در منطق نهج البلاغه، سیاست، حسن مدیریت است اما نه در رکود و ایستایی، بلکه در حرکت و پویایی. سیاست علی (ع) هماهنگ با قرآن و سنت و فطرت پاک بشر است (عظیم‌پور، ۱۳۸۴: ۵۱۵). سیاست در نگاه

علی (ع)، اداره استوار جامعه بر اساس معیارهای الهی، و حرکتی حق مدارانه است. او که می‌فرماید: "المُلکُ سیاسةٌ" کشورداری، سیاست است هرگز برای رسیدن به قدرت و حراست از قدرت به دست آمده، هر کاری را روانمی‌داند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۶: ۲۶). مؤلفه‌های این قلمرو عبارتند از: نقدپذیری، نرم‌خویی و دوراندیشی که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۱.۶ نقدپذیری

علی (ع) به انتقاد سازنده از خلفا برخاست و در راستای انتقاد و نظارت قدرت، انتقاد از خود را نیز می‌پذیرفت. در دیدگاه او مردم باید ناظر بر جریان‌ها باشند و با ارائه دیدگاه‌های خود، بر آنچه می‌گذرد وقوف کامل داشته باشند؛ به حدی که حضرت خیرخواهی و انتقاد مردم از خود را جزء حقوق آنان می‌داند و در این باره می‌گوید: "از جمله حق‌های خدا بر بندگان، یکدیگر را به مقدار توان اندرز دادن و در برپاداشتن حق، یاری کردن است" (کربمی، ۱۳۸۵: ۱۳۳). نقد گذشته از اینکه موجب اصلاح حاکم و حاکمیت است، وسیله‌ای برای رشد سیاسی و اجتماعی و دینی مردم و ایجاد احساس مسئولیت بیشتر مردم و حضور قویتر آنان در صحنه است و این امر، خود فواید بیشماری دارد و از اهداف حکومت است (ثواقب، ۱۳۹۱: ۱۵).

### ۲.۶ نرم‌خویی و دوراندیشی

پرهیزگاران دارای خوئی نرم و مبتنی بر ارزش‌ها هستند، بدون جهت در برابر کسی نرمش نشان نمی‌دهند، و بدون دلیل به طرف کسی نرم و یا به طرف کسی خشن نمی‌شوند، با فکر و از روی مبانی ارزشی دقیق اجتماعی اخلاقی، با افراد انس می‌گیرند، و تا این ارزش‌ها باقی است بر این نرمش ثابت و استوارند. و نیز این خصلت زیربنای سیاست و روابط خارجی کشوری است که حکومت آن به دست پرهیزگاران است همانطور که امام علی (ع) می‌فرماید: "و حَزْمًا فِی لَیْنٍ؛ می‌بینی (هر یک از متقیان را که) نرم‌خو و دوراندیش‌اند" (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۳).

## ۷. قلمرو اقتصادی

این قلمرو با کد محوری التزام به ارزش‌ها در فعالیت‌های اقتصادی بر اساس چهار مؤلفه‌ی اجتناب از اسراف و مصرف‌گرایی، پرهیز از احتکار و انباشت کالا، کسب مال حلال و میانه‌روی در فعالیت اقتصادی، سازمان‌یافته‌است.

### ۱.۷ اجتناب از اسراف

اسلام دینی است که برای همه زوایای زندگی بشر برنامه دارد و تعادل در همه امور را به پیروان خود توصیه می‌نماید. از طرفی استفاده و بهره مشروع از نعمت‌های الهی و زیبایی‌های زندگی را جایز دانسته، و از سویی دیگر اسراف و زیاده‌روی و ضایع نمودن نعمت‌ها را حرام می‌داند. مطابق با قرآن اسرافکارن مورد غضب الهی واقع بوده اهل آتش هستند. "وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ اسراف‌نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد" (انعام/۱۴۱). "وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ؛ اسراف‌کنندگان اهل آتشند" (غافر/۴۳). امام علی(ع) نیز اسراف را موجب هلاکت می‌داند و می‌فرماید: "السَّرْفُ مُثَوِّةٌ، وَ الْقَصْدُ مَثْرَاةٌ؛ اسراف، موجب هلاکت است و میانه‌روی، مایه زیادشدن ثروت" (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۱: ۳۴۷).

### ۲.۷ پرهیز از احتکار و انباشت کالا

خداوند در قرآن می‌فرماید: "وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ؛ وای بر هر نکوهشگر عیب‌جوی، آنکه مالی را گردآورده و می‌شمارد" (همزه/۲-۱). امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: "الاحتکار شیمه الفجار؛ احتکار خوی و خصلت گناهکاران است" (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۹). از آنجا که گناهکاران دارای صفات و خصلت‌های زشت و ناشایستی می‌باشند که از جمله آنها عمل احتکار و محروم نمودن مردم از نیازمندی‌های زندگی است، لذا پیشوای مومنین(ع) در این گفتار به بیان این حقیقت پرداخته و مردم را متوجه آن ساخته است تا از انجام چنین عمل نکوهش شده‌ای دست بردارند.

### ۳.۷ کسب مال حلال

مسئله تأمین و تضمین روزی به عنوان یک اصل از اصول آفرینش در قرآن مجید مطرح است. یعنی از قرآن استفاده می‌شود که تمام بندگان خدا دارای روزی مقدر هستند و در دیوان الهی هیچ کس از قلم نیفتاده است "وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا...؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست جز آن که روزی آن بر خدا است" (هود/ ۶). امام علی (ع) نیز در این باره می‌فرماید: "طوبی لمن ذلَّ في نفسه و طابَ كسبه؛ خوشا به حال کسی که در نزد خود فروتن و متواضع، و درآمدش طیب و طاهر باشد" (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۷: ۳۹۷).

### ۴.۷ میانه‌روی در فعالیت‌های اقتصادی

میانه‌روی یا اعتدال به عنوان یک اصل قرآنی در همه شئون زندگی مطرح است. این اصل قرآنی که منطبق با فطرت و عقل است، وسیله رشد و کمال‌یابی انسان است (خان‌بیگی، ۱۳۹۲: ۷۱). در واقع لازمه عمل به مسئولیت الهی، رعایت میانه‌روی یا اعتدال در تمام امور است.

### ۸. قلمرو اجتماعی

از آیات کریمه قرآن استفاده می‌شود که اجتماعی بودن انسان در متن آفرینش او پی‌ریزی شده است. در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ ای مردم! شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بازشناسید؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شما است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۳۶).

از دیدگاه نهج‌البلاغه نیز، انسان‌ها چون زندگی اجتماعی را امری متناسب با طبیعت عقلانی خویشتن می‌دانند، آن را برمی‌گزینند و این‌گزینش، از روی جبر و درماندگی نیست، بلکه از سر درک است. در خطبه ۲۳ نهج‌البلاغه آمده است: "اگر کسی از شما در خویشاوندان خود خلل و کمبودی مشاهده کند مبدا از رفع آن سرباز زند، چون اگر نبخشد مالش افزون نمی‌شود. آن کس که دست‌دهنده خود را از بستگانش باز دارد، تنها یک دست



تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی علوی ... (علی شیروانی شیرینی و فاطمه حیدری) ۲۲۱

را از آنها گرفته، اما دست‌های فراوانی را از خویش دور کرده‌است، و کسی که پروبال محبت خویش را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد یافت (خطبه/۲۳) براساس این خطبه، انسان در حیات اجتماعی، که صحنه سود و زیان است، نیازمند یاری دیگران است و این «نیاز» او را به سوی دیگران می‌کشاند و هر انسانی به خاطر ناملایمات و سختی‌ها نیازمند دوستی و مودت با خویشان است.

دامنه اجتماعی انسان در سبک زندگی از نظر کمی و کیفی خیلی وسیع و متنوع است و شامل ارتباط با پیامبر گرامی اسلام (ص)، ائمه معصومین (ع)، والدین، همسر، فرزندان، مسلمانان با یکدیگر و مسلمانان با غیرمسلمانان می‌شود (فقیهی؛ نجفی؛ درساوی، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۶۱). مؤلفه‌های این قلمرو عبارتند از: احساس تعهد، احساس مسئولیت، امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از دروغ، امانتداری، حفظ کرامت انسانی، تعاون و همکاری، اتحاد و همبستگی، عدالت اجتماعی، عیب‌نبودن و داشتن زندگی آزادمنشانه.

## ۱۸ احساس تعهد

یکی از مؤلفه‌های قلمرو اجتماعی، احساس تعهد است. خداوند می‌فرماید: "و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولاً؛ و به عهد خود وفا کند زیرا عهد مورد مسئولیت است" (اسراء/۳۴). از این آیه روشن می‌شود که هر تعهدی با قطع نظر از جنبه خلقی آن، جنبه الهی دارد که نوعی مسئولیت است. امام علی (ع) می‌فرماید:

لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَسَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتَاتِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ؛ هیچ یک از فرائض الهی همانند وفای به عهد نیست که مردم با همه خواسته‌های گوناگون و دیدگاه‌های مختلف، بیشتر بر آن اتفاق نظر داشته باشند (نامه/۵۳).

## ۲۸ احساس مسئولیت

در قرآن مجید آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت‌پذیری را برای انسان بیان کرده است؛ به عنوان مثال قبول مسئولیت در قرآن، به بار سنگین تشبیه شده است "وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى، هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد" (انعام/۱۶۴).

امیرالمؤمنین چنین می‌فرمایند: "اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ، از خدا بترسید درباره بندگان او و سرزمین‌هایش؛ زیرا شما حتی نسبت به قطعه‌های زمین‌ها و چارپایان نیز باید پاسخگو باشید..." (خطبه/۱۶۷).

### ۳۸ امر به معروف نهی از منکر

در بحث از اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر امام علی (ع) می‌فرمایند: "تمامی اعمال و کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، مانند قطره‌ای در مقابل یک دریای بزرگ و پهناور است" (حکمت/۳۷۴).

حضرت علی (ع) به هدایت‌گران، رهبران و الگوهای جامعه توصیه می‌کند که پیش از تعلیم و تادیب دیگران، خود را تربیت کنند و درباره بی‌خاصیت بودن دعوت آمران بی‌عمل، فرموده است: "کسی که بدون عمل، دعوت می‌کند مثل کسی است که بدون زه، تیراندازی کند" (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۶۰/۷۵). و همچنین فرموده است: "خدا لعنت کند امر به معروف کنندگانی را، که خودشان به آن عمل نمی‌کنند و نهی از منکر کنندگانی را، که خودشان مرتکب آن منکر می‌شوند" (خطبه/۱۲۹).

### ۴۸ پرهیز از دروغ

پیامبر خدا (ص) درباره‌ی دروغ به عنوان صفتی ناپسند می‌فرمایند: "دروغ به ناراستی و انحراف می‌کشد و ناراستی و انحراف، به آتش رهنمون می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۱: ۴۸۷). دوران‌دیشی در ترک دروغ است مگر به حدّ وجوب برسد، مثل این که به خونریزی یا ارتکاب گناه بینجامد (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۳۶).

حضرت علی (ع) وقتی حکومت را به دست گرفتند در خطبه‌ای به مردم اطمینان دادند و گفتند: "در گرو سخنانی هستم که به شما می‌گویم، خود متعهد به آن هستم، به خدا سوگند به اندازه سر سوزنی چیزی را از شما پنهان ندارم و هیچ نوع دروغی به شما نگویم" (خطبه/۱۶). حکومت امیرمؤمنان حکومت شفافیت و راستگویی بود و همه چیز در حکومت امیرمؤمنان شفاف بود و حضرت اجازه نمی‌داد هیچ نوع دروغی از جمله دروغ مصلحتی، سیاسی و حتی دروغی به نفع حکومت به مردم گفته شود.

## ۵.۸ امانتداری

امام علی (ع) اساس دینداری را امانتداری و وفای به عهد می‌داند (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۸۳). مقابل امانتداری خیانت قرار دارد که رسول اکرم (ص) آن را نشانه‌ی نفاق و خروج از اسلام و ایمان دانسته و می‌فرماید که از این طریق می‌توان انسان مؤمن را از منافق بازشناخت. در اهمیت و ارزش امانت‌داری همین بس که انسان در هر حالی می‌بایست امین باشد هر چند که دیگری در حق او خیانت کرده باشد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: "به کسی که تو را امین قرار داده است خیانت مکن هر چند او به تو خیانت کرده باشد و راز او را فاش مساز اگر چه او راز تو را فاش ساخته باشد" (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۷: ۲۰۸).

## ۶.۸ حفظ کرامت انسانی

کرامت انسانی از روح دمیده شده‌ی خداوند در وجود انسان منشأ گرفته است. برخی از جلوه‌های تحقق کرامت انسانی از دیدگاه امام علی (ع) عبارتند از: ۱- برابری، ۲- حفظ عزت نفس انسانی، ۳- تکریم و احترام به شخصیت انسان (علیخانی، ۱۳۷۷: ۲۱۹). بنابراین بزرگداشت انسان، وابسته به روح انسانی است که در وجود انسان جاری است. مقام و موقعیت اجتماعی، ثروت‌اندوزی، شرافت نسبی و... هیچ یک موجب نمی‌شود که شخصیت انسانی دیگران در نظر گرفته نشود.

## ۷.۸ تعاون و همکاری

تعاون موضوعی اجتماعی است و هرکس در هر مقامی برای احقاق حقوق اجتماعی به آن نیاز دارد. از این رو همه افراد به یکدیگر محتاج‌اند و همه باید در حد توان خود تلاش کنند. رفتار مبتنی بر تعاون، کهنتر و مهتر نمی‌شناسد و جایگاه اجتماعی افراد در التزام به تعاون دخالتی ندارد همانطور که امام (ع) می‌فرماید که "هیچ کس اعم از کوچک و بزرگ از همکاری بی‌نیاز نیست" (خطبه/۲۰۷). در نگاه کلی همکاری مردم با یکدیگر لازمه‌ی بقای آنان است اما در سطوح کلان همکاری سازمان‌ها و ارگان‌ها در جامعه تضمین‌کننده‌ی آسایش و رفاه و بقای ملت و جامعه می‌باشد. یکی از این سازمان‌ها که موفقیت آن برابر است با سعادت افراد، سازمان آموزش و پرورش می‌باشد که همکاری درونی (مدارس،

برنامه‌ریزان، مدیران، معلمین و ...) و بیرونی (وزارتخانه‌های مختلف و ...) در آن سبب تربیت افرادی متناسب با ارزش‌های پذیرفته‌شده در اجتماع می‌شود.

## ۸.۸ اتحاد

بزرگترین آرمان انسان مسلمان اعتصام به «حبل‌الله» و اتحاد و وحدت حول محور دین است، راهی را که به ایده‌آل بزرگ آدمی می‌انجامد، دین معرفی کرده است و یگانه صلاح و مصلحت امت اسلامی و پیروان دین در وحدت «اهل قبله» و پایداری بر موضع دین در جهت و سمت قبله است (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۶-۱۷). امام علی(ع)، بر لزوم اتحاد و همدلی در جامعه، بسیار تأکید کرده است. ایشان اتحاد را ضامن بقای حکومت‌ها، و اختلاف را عامل سقوط دولت‌ها می‌داند. در شناخت ریشه‌های اختلاف‌ها و چگونگی دست‌یافتن به وحدت و همدلی، او خود نیز در این جهت، بیشترین تلاش را می‌کرد و از حقوق مسلم خود، چشم می‌پوشید تا جامعه در آتش اختلاف نسوزد و می‌فرمود: "لَيْسَ رَجُلٌ - فَاعْلَمَ - أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْفَتْهَا مِنِّي": هیچ کس بر اجتماع امت محمد، از من حریص‌تر نیست (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۹۶: ۶۷).

## ۹.۸ عدالت اجتماعی

ارزش عدالت در سطح اجتماع از منظر قرآن به حدی است که به عنوان اصلی بنیادین و بدل‌ناپذیر مطرح می‌شود و خداوند بطور قاطع به آن فرمان می‌دهد و آن را واجب می‌کند. "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ" خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد (نحل/ ۹۰). عدالت از نظر علی(ع) یکی از اصولی است که می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و به پیکر اجتماع سلامت و به روح آن آرامش بخشد و در پرتو عدالت است که جریان امور جامعه در مجرای طبیعی خود قرار می‌گیرد. هرکس برحسب توانمندی، لیاقت و استعدادش، حق خود را دریافت می‌کند. عدالت از نظر علی(ع) آنچنان اهمّیت بالایی دارد که حکومت را برای اجرای عدالت و برقراری حق، می‌پذیرد (عظیم‌پور، ۱۳۸۴: ۱۹۹). در حکومت علوی، با عدالت‌گریزان مبارزه می‌شد و فساد ستیزی و مبارزه با فساد از برنامه‌های اصلی

تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی علوی ... (علی شیروانی شیرینی و فاطمه حیدری) ۲۲۵

آن بود. حکومت علوی در پی احیای سنت برابری و مساوات در بهره‌مندی از بیت‌المال بود و مصادره و بازپس‌گیری اموال غاصبان از برنامه‌های آن بود (ثواب، ۱۳۹۱: ۱۸).

## ۱۰.۸ داشتن زندگی آزادمنشانه

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: "بنده دگری مباش! زیرا خدایت آزاد آفریده است" (نامه/۳۱). براساس روح توحیدی، انسان تنها باید بنده خداوند باشد، نه غیر خدا؛ و اراده خود را تابع مشیت و اراده خداوند قرار دهد و آزادی تکوینی خود را محدود و مقید به خواست خداوند گرداند؛ در این صورت، به زندگی با سعادت در دنیا و آخرت بار خواهد یافت.

## ۹. قلمرو زیست محیطی

نهج‌البلاغه نیز به عنوان ارزشمندترین و جامع‌ترین کتاب جهان اسلام بعد از قرآن کریم به موضوع محیط زیست در حوزه‌های مختلف پرداخته است. امام علی (ع) نظام آفرینش را در خدمت انسان می‌داند:

آگاه باشید، زمینی که شما را بر پشت خود می‌برد و آسمانی که بر شما سایه می‌گستراند، فرمانبردار پروردگارند و برکت آن دو به شما نه از روی دلسوزی یا برای نزدیک‌شدن به شما و نه به امید خیر است که از شما دارند، بلکه آن دو، مأمور رساندن منافع شما بوده، اوامر خدا را اطاعت کردند، به آنها دستور داده شد که برای مصالح شما قیام‌کنند و چنین کردند (خطبه/۱۴۳).

مؤلفه‌های این قلمرو عبارتند از: بهره‌گیری صحیح از امور دنیایی، شفقت نسبت به حیوانات.

## ۱.۹ بهره‌گیری صحیح از دنیا

در نگاه اسلامی، دنیا مزرعه آخرت است، اما به انسان توصیه شده است که به نحو مطلوب و مناسب از این مزرعه و مطامع آن بهره‌مند باشد.

## ۲.۹ شفقت نسبت به حیوانات

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به مجموعه فضایل رفتاری انسان در رفتار با حیوانات اشاره کرده است که عبارتند از: ۱. احساس مسئولیت نسبت به حیوانات، ۲. سپردن حیوانات به چوپانی مهربان، ۳. فرصت‌دادن به حیوانات جهت تغذیه‌ی کافی، ۴. استراحت‌دادن به حیوانات، ۵. رعایت عدالت در سوارشدن بر حیوانات، ۶- مراعات حال حیوانات زخمی، پیر و معیوب (مرادی کهنکی؛ چراغی‌وش؛ نظری، ۱۳۹۷: ۱۲۶-۱۲۴).

## ۱۰. کاربرد تربیتی سبک زندگی علوی

در این پژوهش، راهکارهای اشاعه‌ی سبک زندگی امام علی (ع) در برنامه‌های درسی نظام تعلیم و تربیت در اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی \_ یادگیری و ارزشیابی تبیین می‌شود.

جدول شماره ۳: راهکارهای اشاعه‌ی سبک زندگی امام علی (ع) در برنامه‌های درسی

ابعاد برنامه‌درسی	راهکارهای اشاعه‌ی سبک زندگی امام علی (ع)
اهداف	هدف نهایی از تربیت، رسیدن فرزند به مقام اطاعت و عبودیت الهی است اهداف واسطه‌ای در سبک زندگی علوی در شأن اعتقادی شامل: خداشناسی یا توحید و باورمندی و در شأن فردی شامل: خودشناسی و در شأن اجتماعی شامل: احساس مسئولیت و مشارکت‌جویی و زمینه‌سازی آزادی و عدالت در شأن سیاسی شامل: آینده‌نگری و دوراندیشی؛ در شأن اقتصادی شامل التزام به ارزش‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و در شأن زیست محیطی متشکل از بهره‌وری و عمران زمین و دلسوزی و شفقت نسبت به حیوانات است.
محتوا	بهره‌گیری از مؤلفه‌های اعتقادی، فردی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی در متن درس در قالب شعر، حکایت و داستان کوتاه، بحث علمی و حتی تکالیف درسی
روش‌های یاددهی _ یادگیری	روش الگویابی روش ابراز مهر و محبت روش تمرین، تکرار و عادت‌دادن عملی روش موعظه و نصیحت روش تشویق و تنبیه است
ارزشیابی	رعایت اصل تفاوت‌های فردی در ارزشیابی

بر اساس جدول شماره ۳، نخستین کاربرد این پژوهش در تعیین اهداف غایی و اهداف واسطه‌ای در سبک زندگی امام علی (ع) است. به طور کلی هدف اساسی تعلیم و تربیت

اسلامی، نیل به حیات طیبه یعنی: "تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود و دیگران در هستی را به درستی درک و آن را به طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی متناسب با نظام معیار اسلامی اصلاح نمایند" (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۰). این هدف انسان را به نوع خاصی از زندگی رهنمون می‌کند که در آن آدمی

مبدأ و غایت حقیقی جهان را باز می‌شناسد و به او می‌گردد؛ در عرصه جسم، به پاکی، سلامت و قوت نایل می‌گردد؛ گرایش‌ها و هیجان‌های خود را به صورت موجه و مشروع تنظیم می‌کند؛ اراده معطوف به خیر می‌یابد و در عرصه فردی و جمعی، عمل صالح انجام می‌دهد و غنا، عفت، عدالت و رأفت را در جامعه می‌گسترده و ذائقه توانا برای درک و گرایش به زیبایی می‌یابد (باقری، ۱۳۹۵: ۱۳۰).

با نگاهی به سیره تربیتی علی (ع) آشکار می‌شود که در نظام تربیت اسلامی هدف نهایی از تربیت، رسیدن فرزند به مقام اطاعت و عبودیت الهی است که در حقیقت همان دستیابی به برترین سطح از حیات طیبه است. امیرمؤمنان علی (ع) در ضمن حدیثی پیش از تولد فرزند، هدف نهایی از تربیت را به طور غیرمستقیم بیان کرده است. ابن شهر آشوب به سند خود از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود: "من از خداوند خویش طلب فرزندان زیبا چهره و نیکو قامت ننموده‌ام، بلکه از پروردگارم خواسته‌ام تا فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند تا اینکه وقتی با این صفات به آنها نظر افکنم مایه چشم روشنی من باشند (همت‌بناری، ۱۳۷۸: ۵).

اهداف واسطه‌ای در سبک زندگی علوی در شأن اعتقادی شامل: خداشناسی، اندیشه‌ورزی در آفرینش، ایمان، تسلیم و رضا، تقوا، توکل، پناه بردن به خدا و ترس از خدا؛ در شأن فردی شامل: خودشناسی، اندیشیدن در خود، رشد ارزش‌های اخلاق فردی، پرورش قوه‌ی عقل و تفکر، حلم و بردباری و حریم در کسب دانش و تشخیص درونی؛ در شأن اجتماعی شامل: احساس تعهد، احساس مسئولیت، امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از دروغ، امانتداری، حفظ کرامت انسانی، تعاون و همکاری و اتحاد و همبستگی؛ در شأن سیاسی شامل: نقدپذیری، نرم‌خویی و دوراندیشی؛ در شأن اقتصادی با هدف محوری التزام به ارزش‌ها در فعالیت‌های اقتصادی شامل: دوری از اسراف و مصرف‌گرایی، پرهیز از احتکار و انباشت کالا، کسب مال حلال و میانه‌روی در فعالیت اقتصادی؛ و در شأن زیست

محیطی متشکل از بهره‌گیری صحیح از امور دنیایی و دلسوزی و شفقت نسبت به حیوانات است.

کاربرد دوم در حیطه‌ی محتوای آموزش است. محتوای آموزشی در واقع یکی از عناصر مهم برنامه‌درسی است که از طریق آن، دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت تحقق می‌یابد. با نگاهی جامع و چندساحتی به انسان، محتوای آموزشی را می‌توان براساس مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی علوی یعنی مؤلفه‌های اعتقادی، فردی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی تدوین و ارائه نمود. از مؤلفه‌های یادشده می‌توان بادر نظر گرفتن تناسب پایه تحصیلی، در متن درس مختلف و در قالب‌های مختلفی چون شعر، حکایت و داستان کوتاه، گفت‌وگو، نقد و بحث علمی و حتی تکالیف درسی بهره‌گیری کرد.

سومین کاربرد این پژوهش در تعیین روش‌های تربیتی براساس سبک زندگی علوی است. یکی از روش‌های رایج تربیت، روش الگویابی است. انسان به طور طبیعی از سویی الگوپرداز و از دیگر سو الگوخواه است که الگوخواهی وی ریشه در ارزش‌پرستی آدمی دارد. قرآن با توجه به این نیاز، به زندگی شخصیت‌هایی همچون حضرت ابراهیم، موسی، مریم، یحیی، یوسف و به خصوص پیامبر اسلام (ص) اشاره می‌کند و همگان را به سرمشق‌گیری از زندگی آنان ترغیب می‌سازد. با درنگ در آیات قرآن می‌توان گفت که این کتاب الهی به الگوخواهی مومنان به خوبی پاسخ گفته است؛ زیرا در کنار هر مفهومی، مصداق آن را بیان می‌کند (پورامینی و پورامینی، ۱۳۹۷). امیرمومنان فرموده است: "الناس بامرائهم ائبیه منهم بآبائهم؛ مردم به زمامداران خود شبیه‌تر تا به پدران خود" (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰۸). از این سخن امام نقش و جایگاه مهم مربی از جهت الگو بودن برای مربی و ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در جنبه‌های گوناگون وی غیرقابل انکار است. روش دوم که از سبک زندگی امام علی (ع) استخراج گردیده، روش ابراز مهر و محبت است. امام علی (ع) در این باره فرموده‌اند: "من احب شیئا لهج بذکره؛ هر که چیزی را دوست بدارد، به یاد آن حریص می‌شود (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۸۳). سومین روش، روش تمرین، تکرار و عادت‌دادن عملی است. امام علی (ع) عادت را طبع دوم انسان قرار داده است؛ یعنی کاری را که آدمی مکرر کرد و به آن عادت کرد، چنان راغب به آن می‌شود که گویا در او طبعی به هم رسیده، غیرطبعی که بر آن خلق شده است؛ آن طبع دوم او را به آن کار وا می‌دارد، چنان‌که طبع‌های خلقی منشأ کارها می‌شوند و مراد از «طبع» خو و خصلت است، پس آدمی باید به قدر



مقدور به کارهای خیر عادت کند که دیگر بالطبع مایل به آن‌ها شود و ترک نکند و هم‌چنین اجتناب کند از عادت به کار بد که بعد از عادت، ترک آن برای او بسیار دشوار شود (خوانساری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۸۵). روش چهارم، موعظه و نصیحت است. امام علی (ع) نقش تربیتی موعظه را به گونه‌ای توصیف می‌کند که به نظر می‌رسد بر سایر روش‌های تربیتی برتری دارد، و آن را به نوری تشبیه می‌کند که هنگام تابیدن برفس انسان به آن نورانیت و روشنایی می‌بخشد: "المواعظ صقال النفوس، و جلاء القلوب؛ موعظه نفس انسان‌ها را صاف و نورانی می‌کند" (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۷۲). روش پنجم، تشویق و تنبیه است. امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: "هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند؛ پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده" (نامه/۵۳).

چهارمین کاربرد این پژوهش در حیطه‌ی ارزشیابی است. ارزشیابی به عنوان یکی از عناصر مهم برنامه درسی، فرایند تعیین میزان تحقق اهداف آموزشی و پرورشی به طور واقعی از طریق برنامه‌های درسی و آموزش است (تایلر، ۱۳۹۸: ۱۲۵). آنچه که لازم است در بحث ارزشیابی همواره مد نظر مریبان قرار بگیرد، تفاوت‌های فردی افراد است. در واقع ارزشیابی متناسب با سطح آمادگی افراد و میزان آموخته‌های آنان انجام می‌گیرد که ممکن است به دلیل تفاوت‌های مختلف افراد از نظر سطوح مختلف شناختی، عاطفی و مهارتی، در شرایط متفاوت و در افراد مختلف، نتایج متفاوتی داشته باشد. خداوند در آیه‌های بسیاری (زخرف/ ۳۲، بقره/ ۲۳۳ و ۲۸۶، انعام/ ۱۵۲، اعراف/ ۴۲ و مؤمنون/ ۶۲) به تفاوت‌های انسان‌ها با یکدیگر اشاره کرده است. امام علی (ع) نیز در خطبه‌ی ۳۱ نهج‌البلاغه و در حدیثی به تفاوت‌های فردی اشاره کرده و می‌فرماید: "خیر مردم در تفاوت آن‌ها است و اگر همه مساوی باشند، هلاک می‌شوند" (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۱۰۱). از این رو تفاوت‌های فردی باید به صورت یک اصل در حیطه‌ی ارزشیابی مورد توجه قرار گیرد. از این منظر مربی تلاش می‌کند تا هر یک از دانش‌آموزان خود را به بالاترین سطح پیشرفت خودشان برساند و نه سطحی که بصورت قراردادی برای همه یکسان تعریف شده است.

## ۱۱. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی بر اساس آموزه‌های تربیتی امام علی(ع) و کاربرد آن در تربیت بود. یافته‌های حاصل در این پژوهش حاکی از آن است که در نگاه آن حضرت به تمام جنبه‌های رشد انسان در فرایند تعلیم و تربیت توجه شده است. از دیدگاه ایشان غایت تمام فعالیت‌های تربیتی، تکامل و تعالی معنوی انسان برای وصول به مقام اطاعت و عبودیت حق تعالی است. سبک زندگی از نظر ایشان در شش قلمرو اعتقادی، فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی قابل مطالعه است. قلمروهای مذکور در فرایند تعلیم و تربیت از یکدیگر جدا نیستند و به صورت پیوسته و درهم‌تنیده به کارگرفته می‌شوند و هماهنگی و رعایت جنبه‌ی اعتدال در کاربرد آنها الزامی است.

اهمیت قلمرو اعتقادی بدان سو است که انسان در مسیر زندگی با اندیشه‌ورزی در آفرینش به معرفت الهی دست یابد تا از طریق این شناخت به ایمان به خداوند نائل شود. در قلمرو فردی امام علی(ع) از خودشناسی و اندیشیدن در خود به عنوان، نخستین گام در پیمودن مسیر تکامل در زندگی یاد می‌کند (دانشنامه نهج‌البلاغه، ۱۳۹۴، ج ۱: ۳۸۰) و آن را مقدمه‌ی خداشناسی می‌داند (تمیمی‌آمدی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۵۸). در ادامه بر رشد ارزش‌های اخلاق فردی تأکید می‌شود و بعد از آن به پرورش قوه‌ی عقل و تفکر اشاره می‌شود.

در سبک زندگی علوی حلم و بردباری از اوصاف پرهیزگاران شمرده شده است. امام علی(ع) بر حریم بودن در کسب علم و دانش تأکید می‌کنند و می‌فرمایند علم را با حلم بیامیزید (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۵۳). در قلمرو اجتماعی، عدالت به عنوان برقرارکننده‌ی تعادل اجتماعی؛ اتحاد به عنوان ضامن بقای حکومت‌ها دانسته شده است. امیرالمؤمنین در امر به معروف و نهی از منکر توصیه می‌کند که پیش از تعلیم و تأدیب دیگران، خود را تربیت کنند (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۵: ۶۰) از این فرمایش امام برمی‌آید مربی ابتدا باید خود را تربیت کند و تمام ویژگی‌های یک الگوی مطلوب را در خود بیوراند تا بتواند متربی را به سوی هدف عالی هدایت کند. امام علی(ع) برترین امانتداری را وفای به عهد می‌داند (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۹۴). امانتداری و تعهد به سخنان برای مربی از ملزومات است چرا که اقتدار معلم و تاثیرگذاری او بر متربی در گرو آن است. در حرفه‌ی خطیر معلمی، حجم زیادی از مسئولیت بر دوش معلم قرار می‌گیرد که هر گونه کاهلی و یا قصور ممکن از منجر به تغییر مسیر و آینده‌ی کودکی معصوم گردد. در مؤلفه‌ی حفظ کرامت انسانی

چنین برآمد که بزرگداشت انسان، وابسته به روح انسانی است که در وجود انسان جاری است و یک معلم شایسته همواره باید در روش‌های تربیتی خود به این مهم توجه داشته باشد. دیگر مؤلفه‌ی این قلمرو تعاون و همکاری است که باعث جمع‌شدن نیروهای مختلف در یک جهت می‌گردد. در نتیجه از یک سو باعث افزایش در سرعت انجام کارها می‌شود و از سوی دیگر باعث می‌شود اموری که انجام آن‌ها به تنهایی غیرممکن بود، ممکن گردد. در قلمرو سیاسی، نقدپذیری به عنوان مسبب اصلاح حاکم و حکومت و نرم‌خویی و دوراندیشی به عنوان ویژگی متقین اشاره شده است. قلمرو اقتصادی ناظر به دوری از اسراف و مصرف‌گرایی، پرهیز از احتکار و انباشت کالا، کسب مال حلال، میانه‌روی در فعالیت اقتصادی و کسب مال حلال است. معلمی که به حلال‌بودن درآمد خود اهمیت می‌دهد زمان را در حرفه‌ی خود چون گوهری با ارزش می‌شمرد و از هدردادن آن جلوگیری می‌کند. آخرین قلمرو تربیتی سبک زندگی علوی، قلمرو زیست محیطی با دو مؤلفه‌ی بهره‌گیری صحیح از امور دنیایی و دلسوزی و شفقت نسبت به حیوانات است. نتایج پژوهش حاضر با آنچه تحت عنوان ساحت‌های مختلف تربیت در سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) آمده است و همچنین یافته‌های پژوهش جانی‌پور (۱۳۹۲) تحت عنوان سبک زندگی بر مبانی قرآن، تا حد زیادی تلائم دارد.

کاربرد تربیتی سبک زندگی علوی در برنامه‌های درسی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در حیطه‌های اهداف، روش‌های یاددهی - یادگیری، محتوی و ارزشیابی مورد بحث قرار گرفت. هدف غایی تربیت وصول به مقام اطاعت و عبودیت حق تعالی و اهداف واسطه‌ای در شأن اعتقادی دست‌یابی به خداشناسی، اندیشیده‌ورزی در آفرینش، ایمان، تسلیم و رضا، تقوا، توکل، پناه‌بردن به خدا و ترس از خدا است. این اهداف در شأن فردی شامل خودشناسی، رشد ارزش‌های اخلاق فردی، حلم و بردباری، حریص در کسب دانش، تشخص درونی و پرورش قوه‌ی عقلانی است. در شأن اجتماعی نیز اهداف شامل احساس تعهد و مسئولیت، امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از دروغ، امانتداری، حفظ کرامت انسانی، تعاون، اتحاد، عدالت و داشتن زندگی آزادمنشانه است. در شأن سیاسی نیز نقدپذیری، نرم‌خویی، آینده‌نگری و در شأن اقتصادی دوری از اسراف و احتکار و انباشت کالا و کسب مال حلال، میانه‌روی در فعالیت اقتصادی از اهداف مد نظر است. در شأن زیست محیطی دست‌یابی به اهدافی چون بهره‌گیری صحیح از دنیایی، شفقت نسبت به حیوانات مورد نظر است. روش‌های یاددهی - یادگیری شامل الگویابی، ایجاد محبت،

تمرین، تکرار و عادت‌دادن عملی، موعظه و نصیحت و تشویق و تنبیه است و در ارزشیابی، توجه به اصل تفاوت‌های فردی از ملزومات دانسته شده است.

## کتاب‌نامه

### قرآن کریم

- نهج‌البلاغه. (۱۳۸۰). ترجمه محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: انتشارات مشهور.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید. (۱۳۹۳). شرح نهج‌البلاغه، چاپ دوم، تهران: کتاب نیستان.
- ابوالحسنی، عباس. (۱۳۹۵). سیری در نهج‌البلاغه-شرح نامه ۳۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ و معارف اسلامی مسجد هدایت.
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۸). چهار نعمت قرآن، پیامبر، اهل بیت، عقل، چاپ یکم، قم: انتشارات دارالعرفان.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۵). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران؛ اهداف، مبانی و اصول، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بدیعیان، راضیه؛ نوروزی، رضاعلی. (۱۳۸۸). تربیت دینی در سیره‌ی امام حسین(ع) در واقعه عاشورا، مجله دندان‌پزشکی جامعه اسلامی دندان‌پزشکان، دوره ۲۱، شماره ۳.
- پورامینی، محمدباقر؛ پورامینی، محمدحسین. (۱۳۹۷). سبک زندگی: منشور زندگی در منظر امام رضا(ع)، چاپ سوم، مشهد: به‌نشر.
- تایلر، رالف. (۱۳۹۸) اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، ترجمه علی تقی پورظهیر، چاپ سیزدهم، تهران: آگه.
- تمیمی‌آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دار الکتب الإسلامی.
- ثواقب، جهانبخش. (۱۳۹۱). مبانی و شاخصه‌های حکومت علوی، پژوهشنامه‌ی علوی، سال سوم، شماره ۲.
- جانی‌پور، محمد. (۱۳۹۲). مراحل و مؤلفه‌های بنیادین الگوی سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن کریم، همایش: کنگره پیشگامان پیشرفت، دوره ۴.
- جمعی از نویسندگان بنیاد نهج‌البلاغه. (۱۳۹۴). دانشنامه‌ی نهج‌البلاغه، چاپ یکم، تهران: انتشارات مدرسه.

تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی علوی ... (علی شیروانی شیرزی و فاطمه حیدری) ۲۳۳

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۰ق). المستدرک علی صحیحین، چاپ یکم، بیروت: المکتبه العصریه.

حرانی، ابن شعبه. (۱۳۸۷). تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده، چاپ نهم، قم: آل علی (ع).

حرانی، ابن شعبه. (۱۳۶۳). تحف العقول، چاپ یکم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۳). صحیفه نور، چاپ یکم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۱). تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی (س)، چاپ سوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۸). شرح چهل حدیث، چاپ شصت و سوم، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خوانساری، جمال‌الدین. (۱۳۸۴). شرح غررالحکم و دررالکلم، چاپ ششم، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

خان‌بیگی، حمزه. (۱۳۹۶). میانه‌روی و اعتدال شاخص وزین تعالیم اسلامی، فصلنامه جبل‌المتین، دوره ۲، شماره ۳ و ۴.

دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۹۰). رایت درایت: اخلاق مدیریتی در عهدنامه‌ی مالک اشتر، چاپ یکم، تهران: انتشارات دریا.

رشاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی (ع)، چاپ یکم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رضایی، پروانه. (۱۳۸۹). نگاهی به حقوق حیوانات در اخلاق محیط زیست اسلام از منظر نهج‌البلاغه، نشریه معرفت اخلاقی، سال اول، شماره ۳.

شرفی، محمدرضا. (۱۳۷۹). جوان و نیروی چهارم زندگی، چاپ یکم، تهران: سروش.

شیروانی شیرزی، علی؛ حیدری، فاطمه؛ حسینی، سیده حانیه. (۱۳۹۹). تحلیل محتوای دعای کمیل بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیت، نشریه‌ی پویا در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، شماره ۲۱.

شافعی، محمد بن طلحه. (۱۴۲۱). مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، چاپ یکم، بیروت: دارالبلاغ.

شهریاری، روح‌الله. (۱۳۹۷). اصول پرورش فضائل اخلاقی در فرزندان بر مبنای سیره تربیتی حضرت زهرا (س)، فصلنامه اخلاق، سال ۸، پیاپی ۵۴، شماره ۳۲.

۲۳۴ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۸۶). ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چاپ هفتم، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۷۷). کرامت انسانی در سیره‌ی سیاسی امام علی (ع)، مجله فرهنگ، شماره ۲۷ و ۲۸.
- عظیم‌پور، عظیم. (۱۳۸۴). امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، چاپ یکم، قم: زمزم هدایت.
- عمید، حسن. (۱۳۹۰). فرهنگ عمید، چاپ سی و هشتم، تهران: امیرکبیر.
- فیض‌الاسلام اصفهانی، علی نقی. (۱۳۷۹). ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، چاپ یکم، تهران: نشر فیض‌الاسلام.
- فیض‌کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۳۷۲). راه روشن (ترجمه المحجّه البيضاء)، چاپ اول، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- فاضل قانع، حمید. (۱۳۹۲). سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (با رویکرد رسانه‌ای)، چاپ دوم، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- فقیهی، علی نقی؛ نجفی، حسن؛ درساوی، سمیه. (۱۳۹۴). سبک زندگی پیامبر (ص) و ائمه (ع) در مواجهه با دیگران، فصلنامه سراج منیر، دوره ۶، شماره ۱۹.
- کشاوری، سوسن؛ ترکاشوند، سینا. (۱۳۹۶). تبیین سیره‌ی تربیتی امام صادق (ع) جهت ارائه الگویی برای سبک زندگی اسلامی، فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۱۲، شماره ۲۴.
- کریمی، علی. (۱۳۸۵). نظارت و نقد قدرت در حکومت علی (ع)، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال چهارم، شماره ۱۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۷). اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، چاپ سیزدهم، تهران: گلگشت.
- لیثی واسطی، کافی الدین ابی الحسن علی. (۱۳۷۷). عیون‌الحکم و المواعظ، چاپ یکم، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی دارالحدیث.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- میرباباپور، سید مصطفی. (۱۳۹۶). رابطه ایمان و معرفت از منظر علامه مصباح یزدی، فصلنامه علمی پژوهشی حکمت اسلامی، سال ۴، ش ۲.
- مصباح، محمد تقی. (۱۳۸۹). ترس از خدا و نقش سازنده‌ی آن در زندگی، نشریه معرفت، سال ۱۹، شماره ۱۵۳.

تبیین مؤلفه‌های سبک زندگی علوی ... (علی شیروانی شیرازی و فاطمه حیدری) ۲۳۵

- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۰). تفسیر قرآن ناطق، چاپ سوم، قم: دارالحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۳). منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، چاپ چهاردهم، قم: دارالحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۶). سیاست‌نامه امام علی (ع)، ترجمه مهدی مهریزی، چاپ چهارم، قم: دارالحدیث.
- محسنی، محمد آصف. (۱۳۹۱). تحقق اتحاد امت اسلامی، چاپ دوم، کابل: رسالت.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۴). سیری در نهج‌البلاغه، چاپ پنجاه و هشتم، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مجموعه آثار، چاپ هفتم، قم: صدرا.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). بحارالانوار، چاپ چهارم، تهران: اسلامیه.
- مصباح، محمدتقی. (۱۳۸۰). به سوی خودسازی، چاپ یکم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۲). اخلاق اسلامی در نهج‌البلاغه، چاپ چهارم، قم: نسل جوان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵). پیام‌های امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ یکم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مرادی کهنکی، فاطمه؛ چراغی‌وش، حسین؛ نظری، علی. (۱۳۹۷). نقش آخرت‌گرایی در رابطه انسان و محیط زیست از دیدگاه نهج‌البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، دوره ۶، شماره ۲۲.
- معارف، مجید؛ قاسمی حامد، مرتضی. (۱۳۹۶). کارکردهای عقل در نهج‌البلاغه، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۵۰، شماره ۲.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین، چاپ سوم، تهران: زرین.
- محدث، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، چاپ یکم، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- محمدی، مسلم. (۱۳۹۳). فرهنگ اصطلاحات علم کلام (کلام اسلامی، کلام جدید، ادیان و مذاهب)، چاپ یکم، قم: انتشارات نشر معارف.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۸۹). معراج السعاده، چاپ پنجم، تهران: طوبای محبت.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، بیروت: مؤسسه آل‌البیت.
- هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۷). فرهنگ فقه، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، مرکز پژوهش‌های فارسی غدیر.
- همت‌بناری، علی. (۱۳۷۸). امام علی و تربیت فرزند (۱)، فرهنگ کوثر، شماره ۳۴.

- Creswell, John W. (2007). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approches*. London: Sage Publication .
- Maykut, P. & Morehouse, R. (1955). *Beginning Qualitative Research: A Philosophic and Practical Guide*. London: Falmer Press .